

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

فروست:

شابک:

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت:

یادداشت:

مندرجات:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

بهداروندیانی، غلامرضا، ۱۳۵۳-

تاریخ ایران پس از انقلاب اسلامی / تألیف غلامرضا بهداروندیانی
تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی،
۱۳۹۸.

ج.

مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ؛ ۱۱۰۱.

۱۱۰۲، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، جمهوری اسلامی؛ ۵۲، ۵۳، ۵۴

دوره: ۶-۹۰۶-۴۱۹-۸۵۶-۹۷۸؛

۴۰۰۰۰۰ ریال: ۹-۹۰۵-۴۱۹-۹۶۴-۹۷۸ (ج.۱)

۳۸۰۰۰۰ ریال: ۳-۹۰۷-۴۱۹-۹۶۴-۹۷۸ (ج.۲)

۵۰۰۰۰۰ ریال: ۹-۹۴۷-۴۱۹-۹۶۴-۹۷۸ (ج.۳)

۶۵۰۰۰۰ ریال: ۶-۹۴۸-۴۱۹-۹۶۴-۹۷۸ (ج.۴)

فیپا

کتابنامه

نمایه

۱. از پیروزی انقلاب تا تصرف سفارت آمریکا. - ج. ۲. از دولت شورای انقلاب
تا دولت شهید رجایی. - ج. ۳. از آغاز جنگ تا بحران آفرینی بنی صدر - ج. ۴. از
آشوب های داخلی تا فاجعه ی هفتم تیر

ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸-

Iran -- History -- Islamic Republic, 1979

مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۱۳۹۷ ت ۲ ب ۹ / DSR ۱۵۷۰

۹۵۵/۰۸۴

۵۵۶۸۳۱۱

تاریخ ایران پس از انقلاب اسلامی

جلد چهارم

(از آشوب‌های داخلی تا فاجعه‌ی هفتم تیر)





گرامیداشت
چهلمین سالگرد
پیروزی انقلاب اسلامی

عنوان: تاریخ ایران پس از انقلاب اسلامی (جلد چهارم)

(از آشوب‌های داخلی تا فاجعه‌ی هفتم تیر)

تألیف: غلامرضا بهداروندیانی

نظارت علمی: جواد منصورى

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

حروف‌چینی و لیتوگرافی: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۹۴۸-۶

ISBN: 978-964-419-948-6

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۹۰۶-۶

ISBN: 978-964-419-906-6

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبه‌روی پمپ بنزین اسدی، پلاک ۱۹۵۴،

مرکز اسناد انقلاب اسلامی. صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶ تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irdc.ir

این اثر یکی از موضوعات «طرح
تدوین تاریخ انقلاب اسلامی» است
که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی
تهیه شده و کلیه حقوق آن برای
مرکز محفوظ می‌باشد.

فهرست مطالب

۱۳مقدمه
۱۵پیشگفتار
	بخش اول:
۱۹گسترش اختلافات
۲۱فصل اول: اعتراض به بیانیه‌های الجزایر
۲۱مقدمه
۲۴اختلاف مقامات
۲۴بیانیه‌های الجزایر
۲۸دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده
۳۰عهدشکنی آمریکا
۳۵اختلاف مواضع مسئولان
۴۱تحلیل و ارزیابی
۴۷فصل دوم: آشوب‌های داخلی
۴۷مقدمه
۴۷انتشار شایعه‌ی شکنجه از سوی ضدانقلاب
۵۴سرقت بخشی از اسناد محرمانه و سرّی
۶۳مطبوعات و نشریات

۶۷	وضعیت جبهه‌های جنگ
۶۹	کشتار زندانیان «دوله‌تو»
۷۰	تقاضای ملاقات منافقین با امام و پاسخ امام
۷۲	گسترش آشوب‌ها و درگیری‌های ضد انقلاب
۷۵	توقیف نشریات ضد انقلاب
۸۰	برخورد با آشوبگران
۸۲	پیشنهاد رفراندوم
۸۵	درگیری بنی‌صدر با نهادهای قانونی
۹۰	هیئت سه‌نفری حل اختلاف
۱۰۰	راهپیمایی سالروز ۱۵ خرداد
۱۰۴	برخورد امام با جریان فتنه
۱۰۶	دیکتاتوری بنی‌صدر
۱۰۷	نصایح امام به گروه‌های ضد انقلاب
۱۰۸	خط سوم
۱۱۳	فصل سوم: برخورد با ضد انقلاب
۱۱۳	مقدمه
۱۱۶	تعطیلی دفتر هماهنگی
۱۱۸	تحلیل اوضاع کشور در رسانه‌های خارجی
۱۲۱	برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا
۱۲۲	بازتاب داخلی
۱۳۲	بازتاب خارجی
۱۳۴	سخنان دیالمه درباره‌ی بنی‌صدر
۱۴۵	بازسازی ارتش
۱۴۹	لایحه‌ی قصاص
۱۵۲	مواضع بعضی از مسئولان نسبت به لایحه‌ی قصاص

۱۵۴.....	مواضع جمعیت‌ها و گروه‌ها نسبت به لایحه‌ی قصاص.....
۱۵۶.....	موضع نهضت آزادی نسبت به لایحه‌ی قصاص.....
۱۵۷.....	موضع سازمان مجاهدین خلق نسبت به لایحه‌ی قصاص.....
۱۶۳.....	بیانیه و راهپیمایی جبهه‌ی ملی.....
۱۶۹.....	اعلام ارتداد جبهه‌ی ملی.....
۱۷۴.....	اعلام پشتیبانی از بیانات امام.....
۱۷۸.....	مخالفان حکم ارتداد.....
۱۸۲.....	دیدگاه امام نسبت به مصدق.....
۱۸۶.....	افزایش فعالیت بهائیان.....
۲۰۴.....	بهائیان و انقلاب اسلامی.....

بخش دوم:

۲۰۷.....	مهار توطئه براندازی.....
۲۰۹.....	فصل اول: شکستِ طرحِ براندازی.....
۲۰۹.....	مقدمه.....
۲۱۴.....	تعقیب قانونی سران جبهه‌ی ملی.....
۲۱۶.....	احتمال وقوع کودتا.....
۲۲۲.....	اعلام آغاز مبارزه‌ی مسلحانه از سوی سازمان مجاهدین خلق.....
۲۳۰.....	پاسخ امام به چند پرسش.....
۲۳۲.....	عزل بنی‌صدر، خواسته‌ی ملی.....
۲۳۵.....	طرح عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور.....
۲۳۸.....	مذاکرات مجلس، مواضع نمایندگان.....
۲۴۸.....	شورش مسلحانه در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰.....
۲۵۲.....	بازتاب شورش.....
۲۵۵.....	فصل دوم: برکناری نخستین رئیس‌جمهور.....
۲۵۵.....	مقدمه.....

۲۵۶.....	منازعات بنی صدر
۲۷۶.....	رأی مجلس به عدم کفایت سیاسی بنی صدر
۲۸۰.....	نطق آیت‌الله سید علی خامنه‌ای
۲۸۳.....	نطق دکتر عبدالحمید دیالمه
۲۸۵.....	عزل بنی صدر از ریاست جمهوری
۲۸۶.....	تذکر امام به بنی صدر
۲۸۸.....	بازتاب داخلی
۲۹۱.....	بازتاب خارجی
۲۹۴.....	مخفی شدن بنی صدر
۲۹۷.....	شکست جریان غربگرا و لیبرال

بخش سوم:

۳۰۵.....	اوضاع سیاسی و امنیتی کشور
۳۰۷.....	فصل اول: از شهادت در جبهه تا فاجعه‌ی هفتم تیر
۳۰۷.....	مقدمه
۳۰۸.....	شهادت دکتر مصطفی چمران
۳۱۱.....	بازتاب شهادت دکتر چمران
۳۱۳.....	پیام امام به مناسبت شهادت دکتر چمران
۳۱۴.....	تشکیل شورای موقت ریاست جمهوری
۳۱۷.....	واقعه‌ی سوءقصد به جان آیت‌الله خامنه‌ای
۳۱۹.....	بازتاب سوءقصد
۳۲۰.....	پیام حضرت امام
۳۲۲.....	زمینه‌های بروز فاجعه‌ی هفتم تیر
۳۲۶.....	انفجار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی
۳۳۱.....	نقش بنی صدر و منافقین در فاجعه
۳۳۸.....	ارتباط وقایع خرداد ۶۰ و انفجار ۷ تیر

۳۴۰ نقش قدرت‌های خارجی در فاجعه
۳۴۱ هویت عامل انفجار
۳۴۳ نفوذ سازمان در اداره‌ی دوم ارتش
۳۴۴ فرجام کلاهی
۳۴۷ شهدای هفتم تیر
۳۶۰ مراسم تشییع شهدای ۷ تیر
۳۶۳ فصل دوم: پیامدهای فاجعه‌ی هفتم تیر
۳۶۳ بازتاب داخلی
۳۶۸ بازتاب خارجی
۳۷۱ آثار و پیامدهای فاجعه
۳۷۱ شکست برنامه‌ی منافقین
۳۷۴ اظهار تنفر مردم نسبت به منافقین
۳۷۴ تغییر موضع برخی از چهره‌های سیاسی
۳۷۵ احراز حقانیت جریان خط امام
۳۷۶ اثبات نبود پایگاه مردمی برای منافقین
۳۷۷ ضرورت محاکمه و برخورد جدی با ضد انقلاب
۳۷۸ تعطیلی رسانه‌های ضدانقلاب
۳۷۹ تداوم عملیات تروریستی منافقین
۳۸۱ ضرورت تشدید تدابیر امنیتی
۳۸۳ پیوست‌ها
۵۲۹ فهرست وقایع مهم
۵۳۵ کتابنامه
۵۵۵ نمایه

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی و ناکامی کاخ سفید در مهار قدرت انقلاب باعث جبهه‌گیری و تخاصم آمریکا و ایادی آن در مقابل نظام جمهوری اسلامی شد. گروهک‌ها و احزاب مختلف که با حکومت پهلوی در تخاصم بودند و اغلب نیز توفیقی نداشتند با پیروزی انقلاب اسلامی به سهم‌خواهی از نظام تازه تأسیس پرداختند و به تدریج با نشان دادن ماهیت و هویت خویش آشوب‌های گسترده‌ای را در گوشه و کنار مملکت دامن زدند. در این اوضاع همراهی بنی‌صدر رئیس‌جمهور وقت نیز بر شدت و وسعت این آشوب‌ها افزود و مهار و کنترل آن را دشوارتر ساخت. سازمان مجاهدین خلق که با نشان دادن ماهیت واقعی خود «منافقین» لقب گرفتند، به صورت خشن‌ترین و بی‌رحم‌ترین گروهک مخالف نظام جلوه‌گر شدند و کوشیدند با ترور شخصیت‌های اصلی انقلاب، نظام اسلامی را به سمت سقوط ببرند. واقعه‌ی دردناک هفتم تیر ۱۳۶۰ و شهادت شهید بهشتی و ۷۲ تن از یاران باوفایش از بزرگترین ضربات این گروهک به نظام اسلامی بود. اما رهبری انقلاب اسلامی با قلبی آرام تمامی این مصیبت‌ها را باعث «بیدار شدن ملت» دانستند و شکست حرکات تروریستی را به دست مردم و نهادهای امنیتی بشارت دادند.

مجموعه‌ی پیش‌رو حوادث و تحولات انقلاب اسلامی را از حاکمیت خط لیبرال بر دولت با ریاست‌جمهوری بنی‌صدر تا اعلان جنگ سازمان منافقین به نظام اسلامی و سپس فاجعه‌ی انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت شهید بهشتی و یارانش را بررسی می‌کند.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی در راستای نگارش و تدوین تاریخ پرحادثه و شکوهمند

انقلاب اسلامی اقدام به انتشار این اثر کرده است. در پایان ضمن تقدیر از نویسنده‌ی کتاب و ناظر علمی آن از همکاران محترم در مؤسسه‌ی فرهنگی هنری تقدیر و تشکر می‌نماید.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیشگفتار

در جلد‌های اول تا سوم این مجموعه، تحولات ایران از پیروزی انقلاب اسلامی تا اوایل سال ۱۳۶۰، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت و به رشته‌ی تحریر درآمد. اینک در جلد چهارم با استفاده از دو روش تاریخ‌نگاری توصیفی و تحلیلی، به تبیین مجموعه‌ای از تحولات جنجالی و مناقشه‌برانگیز بهار ۱۳۶۰، تا بروز فاجعه‌ی هفتم تیر پرداخته می‌شود. درگیری‌ها و منازعات فکری و سیاسی گروه‌ها و احزاب سیاسی، که در نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های متفاوت و یا متعارض آنها ریشه داشت، سبب ایجاد التهاب سیاسی در میان طیف وسیعی از نیروهای سیاسی - اجتماعی جامعه شده بود.

فضای باز سیاسی به‌وجودآمده پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مشارکت و رقابت سیاسی میان گروه‌ها و احزاب سیاسی را به میزان قابل‌توجهی افزایش داده بود. در این زمان، قانون اساسی وضع شده، و مجلس شورای اسلامی شکل گرفته بود. گروه‌های سیاسی از جمله جبهه‌ی ملی، نهضت آزادی، سازمان مجاهدین خلق و حزب توده با استفاده از این فضا به جمع‌آوری نیرو، سازماندهی تشکیلاتی و نفوذ در ساختارهای حاکمیتی پرداختند. امکان مشارکت سیاسی احزاب مختلف در جامعه‌ی نوپای انقلابی به گونه‌ای فراهم شده بود که مهندس مهدی بازرگان از نهضت آزادی در جایگاه اولین نخست‌وزیر (موقت) و ابوالحسن بنی‌صدر با سابقه‌ی عضویت در جبهه‌ی ملی، در مسند نخستین رئیس‌جمهور قرار گرفتند.

امام‌خمینی، رهبر انقلاب بر این اعتقاد بودند که انقلاب اسلامی و حکومت برخاسته از آن، به منظور حاکمیت ارزش‌های اسلامی شکل گرفتند و اینک این ارزش‌ها، در قانون

اساسی جمهوری اسلامی تبلور یافته‌اند. از این رو ملتزم بودن به ارزش‌های اسلامی و اصول قانون اساسی، امری قانونی و ضروری به شمار می‌آمد. اما رقابت آزاد سیاسی میان طیف‌های مختلف سیاسی، اعضای آن گروه‌ها را به تدریج دستخوش توهم به دست آوردن قدرت برتر، از راه‌های غیرقانونی نمود.

حاکمیت ارزش‌های اسلامی، برای این گروه‌ها که با وسوسه‌ی کسب قدرت، تا قبل از این، همراهی ظاهری خود را با جمهوری اسلامی به نمایش گذاشته بودند، به تدریج امری تلخ و غیر قابل پذیرش جلوه کرد. چرا که آن گروه‌ها با دارا بودن ایدئولوژی‌های لیبرالیستی، التقاطی، سوسیالیستی و کمونیستی، اعتقاد و پایبندی به این ارزش‌ها نداشتند و تنها به منظور به دست آوردن فرصت، در مقابل نیروهای انقلابی سکوت نموده و منتظر ماندند.

فتنه ۱۴ اسفند ۱۳۵۹، همان فرصتی را فراهم نمود که آن گروه‌ها با کمک حامیان ایدئولوژیکی خود، در انتظار آن به سر می‌بردند. ابوالحسن بنی‌صدر که تا مدتی قبل، عضو جبهه‌ی ملی بود و سپس ادعا نمود که از عضویت آن خارج شده است، با به راه انداختن هیاهوی تبلیغاتی و جنگ روانی، مناسبات موجود قدرت سیاسی را به چالش فراخواند؛ خود را به بهانه‌ی کسب آرای مردم، تنها بازیگر قدرتمند عرصه‌ی سیاسی معرفی کرد و به مقابله با نهادهای برآمده از قانون اساسی، از جمله مجلس شورای اسلامی و قوه‌ی قضائیه پرداخت. در بهار ۱۳۶۰، گروه‌های یادشده که دارای ایدئولوژی‌های بیگانه بودند، ضمن سوار شدن بر این موج، با بنی‌صدر به هم‌نوایی برخاستند و ائتلافی همه‌جانبه را بر ضد جمهوری اسلامی شکل دادند.

قانون‌گریزی، ایجاد هرج و مرج و آشوب و شورش، برای مقابله با جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن، که مبتنی بر فقه اسلامی بود، در پیش گرفته شد. آنان برای ایجاد تغییرات مورد نظر خود، برگزاری رفراندوم زیر نظر خود را مطرح نمودند. بنابراین به زعم آنان، تنها دو راه برای رسیدن به قدرت وجود داشت: اعمال تغییرات سیاسی بنیادین به صورت داوطلبانه از سوی نظام و ایجاد ساختارهای جدیدی مبتنی بر ارزش‌های قابل قبول آن گروه‌ها (غیر اسلامی) و یا گسترش شورش و هرج و مرج به منظور اعمال فشار، به گونه‌ای که تغییرات مورد نظر آنان را در پی داشته باشد.

در این میان، آنچه را که فراموش نموده بودند، اسلام، ملت و رهبری امام بود. آنان با محاسبات اشتباه خود، ضمن نادیده‌انگاشتن قدرت نقش‌آفرین این سه عنصر، خود را «انقلابی» جلوه می‌دادند و سقوط نظام شاهنشاهی را به خود منتسب می‌کردند. حضرت امام در ابتدا به آنان تذکر داد و بنی‌صدر و هواداران او را نصیحت کرد. اما هوس قدرت و همگرایی ضدانقلاب، چشم و گوش آنان را بسته بود. سرانجام صبر، سکوت، مدارا و مماشات امام به پایان رسید، تکلیف را روشن ساخت و بنی‌صدر را از سمت فرماندهی کل قوا برکنار نمود.

جبهه‌ی ملی به میدان آمد و با برپایی تظاهرات و راهپیمایی، نظام را به چالش فراخواند. امام در مقابله با خواسته‌های غیراسلامی این گروه، آن را مرتد و غیرقانونی اعلام نمود. سازمان مجاهدین خلق که توان نظامی و چریکی خود را با ایجاد «میلیشیا» گسترش داده و در نهادهای انقلابی رخنه نموده بود، اعلامیه‌ی آغاز فاز نظامی خود را منتشر ساخت. رویارویی، چهره‌ای دیگر به خود گرفت. اگر تا قبل از آن، رقابت و منازعات سیاسی وجود داشت، از آن زمان به بعد، بحث بر سر قدرت نظامی و رویارویی مسلحانه بود که هیچ‌گونه تناسبی با رقابت‌های سیاسی نداشت. آنان نظام جمهوری اسلامی را که به واسطه‌ی ایثار و از خودگذشتگی هزاران شهید و جانباز و با حضور گسترده و میلیونی مردم مسلمان و انقلابی به وجود آمده بود، همزمان با تجاوز رژیم بعثی و جنگ تحمیل‌شده از سوی قدرت‌های بیگانه، به نزاعی مسلحانه فراخوانده بودند. بنی‌صدر هم که از این اعلامیه و توان نظامی سازمان مجاهدین خلق، به وجد آمده بود و خود را دارای پشتیبانی این‌گونه می‌دانست، به مجادله با امام برخاست. در نتیجه در فضایی متشنج، عدم کفایت سیاسی وی، در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و حکم عزل او از ریاست‌جمهوری از سوی امام‌خمينی صادر گردید.

بنی‌صدر هر چند متواری و مخفی گردید، اما با توجه به حمایت سازمان مجاهدین خلق، همچنان به امید بازگشت به قدرت، در کشور ماند. این بار ضدانقلاب که خود را بازنده احساس می‌کرد و خبری از حمایت‌ها و پشتیبانی‌های مردمی نیز نبود، شیوه‌ای دیگر را برای کسب قدرت آزمود و همان‌گونه که در اعلامیه‌ی نظامی خود اظهار داشته بود، با انجام

عملیاتی تروریستی، فاجعه‌ای خونین را در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی رقم زد و با توجه به شهادت جمعی از نخبگان سیاسی از جمله شهید دکتر بهشتی، به این امید واهی دل بست که امکان بقای نظام از این به بعد وجود نخواهد داشت. اما در جلدهای بعدی این مجموعه نشان داده خواهد شد که این امر خیال باطلی بیش نبود.

و ما توفیقی الا بالله